

چالشگران بازار انرژی

● دکتر حجت‌الله غنیمی‌فرد*

چکیده

نویسنده در این مقاله با اشاره به پیشینه تاریخی بازار انرژی و وضعیت کنونی نفت و بازیگران این عرصه، به تشریح قاعده «بر قدرت یا در ذلت» و عوامل چالش در بازار نفت و چالشگران صحنه‌های عرضه و تقاضای آن پرداخته و نقش عوامل بیرونی چالش بازار نفت را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. وی در ادامه این پژوهش و تحلیل علمی با پرداختن به موضوع تقاضا و تولید جهانی نفت، انتظارات افزایشنده بازار از اپک برای تولید در مقاطع ۵ ساله تا ۲۰۲۰ م را ترسیم نموده و ضمن اشاره به تقسیم کشورهای دارنده ذخایر نفتی از سوی نفت داران قدرتمندی نظیر آمریکا و روسیه، یادآور شده است که هرگونه مقاومت در برابر این تقسیم با واکنش تند تحمیل جنگهای طولانی (منطقه‌ای یا داخلی) بر کشورهای دارنده نفت مواجه شده است.

نویسنده در پایان مقاله با تشریح برخی عوامل اصلی و یا حفظ امنیت در دو سوی عرضه و تقاضا و نیز عوامل بیرونی مؤثر بر این دو، به ارائه راهکارهایی بهتر و سازنده‌تر برای نسل آتی بشر پرداخته است.

مقدمه

در این مقاله سعی شده است بطور خلاصه به آنچه سابقه تاریخی چالش در بازار انرژی است پرداخته شود، سپس با تشریح وضعیت کنونی بازار نفت، بازیگرانی که در آینده نزدیک بازار نفت را به چالش خواهند کشید شناسایی شده و در هر بخش روش

قاعده «بر قدرت یا در ذلت»

از آن زمان که دارندگان انرژیهای فسیلی برای صنعتگران، نظامیان و تجار بعنوان تأمین کنندگان بالقوه پیروزی هر یک از ایشان در صحنه پیشرفت صنعتی، تفوق نظامی، عرصه توسعه سودآوری شناخته شدند، بازیکنان دیگری بجز عرضه و تقاضا کنندگان اصلی این انرژیها روند داد و ستد و برنامه‌ریزی برای آینده در این بخش مهم اقتصادی هر کشور را تحت تأثیر خود قرار دادند.

تاریخ قرنهای اخیر نشان می‌دهد که اغلب کشورهای دارنده ذغال سنگ یا بر مسند قدرت تکیه کرده و یا بر ذلت استعمار برای تأمین نیازهای گروه اول تن داده بودند. به یادآورد قدرت انگلیس، روس و آلمان را در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی و همزمان استعمار شدگانی نظیر هند، چین و آفریقای جنوبی را که همگی از ذخایر فراوان ذغال سنگ برخوردار بودند. در این میان بودند کشورهایایی که به یمن داشتن این ذخایر حرکت بسوی استقلال را تسریع کردند - مانند آمریکا - ولی دیگری مانند استرالیا با تحت قیمومیت بودن خارجیان، توسعه اقتصادی را پی گرفتند.

چالش در بازار ذغال سنگ ادامه داشت، تا کشف نفت؛ انرژی پاک آن زمان، صحنه جدیدی را نیز گشود. ولی دارندگان نفت از قاعده «یا بر قدرت یا در ذلت» مستثنی نبودند. در دوره نفت که از نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز شده بود، تا بیش از یک قرن به مشابه آنچه بر دارندگان ذغال سنگ گذشته و ادامه داشت، سپری شد.

نفت داران قدرتمندی نظیر آمریکا و روسیه و سپس شوروی در بازار این انرژی آغاز به زور آزمایی کردند و زورمداران دوران ذغال سنگ با اغتنام از فرصت، به گسترش سیطره کنترل خود بر نفت داران بی‌قدرتی نظیر خاورمیانه ایان، آمریکاییان، آفریقایاییان و گروهی از آسیاییان پرداختند و با شروع نهضت‌های مردمی در ابتدای نیمه دوم قرن بیستم میلادی روش و نه راهبرد خود را تغییر داده و به تقسیم کشورهای دارنده ذخایر نفتی بین خود پرداختند.

هر گونه مقاومت در مقابل این تقسیم با واکنش تند تحمیل جنگهای طولانی منطقه‌ای و داخلی بر کشورهای دارنده نفت، روبرو شد. آنچه ایران طی هشت سال دفاع در مقابل

حمله خارجی ولی به صورت منطقه‌ای دید و یا آنچه برخی کشورهای نفتی غرب، شرق و شمال آفریقا مدتها بعنوان جنگهای داخلی با آن رو به رو بوده‌اند و یا مخالفت‌های خارجی در لباس معترضان داخلی در بعضی کشورهای آمریکای لاتین و آسیای دور، همه پاسخ به قدرت خواهی نفت داران در مقابل تحمیل ذلت پذیری از طرف نفت داران و یا حتی نفت نداران سوار بر اریکه قدرت است. تاریخی که بیش از دو قرن است هر بار برای نوعی از انرژی تکرار می‌شود.

وضعیت بازار انرژی

اگر از انرژی‌های مختلف به انرژیهای اولیه و از این گروه به نفت پرداخته شود، نقاط اصلی چالش در بازار انرژی آشکار خواهد شد. عرضه جهانی نفت در حال حاضر، سال آینده و حداقل تا پایان دهه جاری بدون هیچگونه کمبودی نه تنها تقاضای جهانی را تأمین خواهد نمود بلکه میزان ذخائر نفت خام در کشورهای اصلی مصرف کننده نفت را افزایش خواهد داد.

جدول ۱: تقاضای جهانی نفت براساس تخمین‌های اپک و آژانس بین‌المللی انرژی (۱ و ۲)

ارقام: به میلیون بشکه در روز

سال	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰
ماخذ						
اپک	۷۸/۲	۷۹/۳	۸۳/۷	۹۰/۶	۹۷	۱۰۳/۲
آژانس بین‌المللی انرژی	۷۸/۴	۷۹/۴	۸۵/۱	۹۵	۱۰۶/۹	۱۱۹/۶
میانگین ارقام	۷۸/۳	۷۹/۳۵	۸۴/۴	۹۲/۸	۱۰۱/۹۵	۱۱۱/۴

- ۱: آخرین تحولات بازار نفت، امور اپک و روابط با مجامع انرژی، آبان ۱۳۸۲
- ۲: چشم انداز آینده بازار جهانی انرژی، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، بهمن

با ملاحظه رشد تقاضای جهانی نفت در تخمین‌های محتاطانه ایکه و پیش‌بینی‌های ۲۲۹

معمولاً بیش از تقاضای بازار آژانس بین‌المللی انرژی، با توجه به تقاضای قطعی جهانی نفت در سال ۲۰۰۰ به میزان ۷۴/۲ میلیون بشکه در روز مشخص می‌گردد که در سال ۲۰۰۵ نسبت به تقاضای سال ۲۰۰۰ حداقل ۷/۵ و حداکثر ۸/۹ میلیون بشکه در روز و در سال ۲۰۱۰ نسبت به سال ۲۰۰۵ حداقل ۶/۹ و حداکثر ۹/۹ میلیون بشکه در روز تقاضا اضافه می‌گردد. اگر چه روند رشد تقاضای نیمه دوم دهه حاضر کمی بیشتر از ۵ ساله اول است ولی حتی با تخمین بیشترین تقاضا، میانگین این رشد حدوداً ۱/۶ میلیون بشکه در روز می‌باشد که با توجه به روند رشد عرضه جهانی نفت این میزان به سهولت قابل تأمین است.

جدول ۲: تولید نفت غیر ایک براساس تخمین‌های ایک، آژانس بین‌المللی انرژی و اداره اطلاعات انرژی آمریکا

ارقام: به میلیون بشکه در روز

سال	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰
ماخذ						
ایک (۳)	۵۲/۳	۵۳/۸				
آژانس بین‌المللی انرژی (۳)	۵۲/۸	۵۴/۶				
میانگین ارقام (۴)	۵۲/۵۵	۵۳/۲	۴۹/۳۸	۵۱/۸۶	۵۵/۳۵	۵۲/۹۹
فاصله حداقل و حداکثر تخمین	۰/۵	۰/۸	۳/۷	۱۱/۹	۱۱/۸	۲۱/۷

۳: منبع (۱)

۴: منبع (۳) صفحه ۶۵

فاصله تخمین‌های فوق از تولید نفت غیر ایک با دورتر شدن افق زمان پیش‌بینی، افزایش می‌یابد ولی سابقه دو دهه قبل نشان داده است که در تعدیلات سالیانه و فصلی نسبت به این تخمین‌ها با نزدیک‌تر شدن فاصله‌های زمانی تخمین به دوره تحقق، این فاصله‌ها به حداقل می‌رسد، نشان بارز این نکته را در تخمین‌های سالهای ۲۰۰۳ و

با مقایسه دو جدول ۱ و ۲، میزان تولید مورد انتظار از ایک قابل محاسبه است.

جدول ۳: تولید مورد انتظار از ایک

ارقام: به میلیون بشکه در روز

سال	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰
ماخذ						
ایک	۲۵/۹	۲۵/۵				
آژانس بین‌المللی انرژی	۲۵/۶	۲۴/۸				
میانگین ارقام	۲۵/۷۵	۲۵/۵	۳۵/۰۲	۴/۹۴	۴۶/۶	۵۸/۴۱

چنانچه به پیش‌بینی‌های جدول ۳، اطلاعات تخمینی تولید اعضای ایک توسط منابع ثانویه برای ۹ ماهه منتهی به سپتامبر ۲۰۰۳ که ۲۶/۶۹ میلیون بشکه در روز اعلام شده است اضافه گردد و اعلام برخی از منابع ثانویه برای تولید ۲۷/۵ میلیون بشکه‌ای اعضای ایک برای اکتبر کاملاً پذیرفته نشود و تولید ده ماهه ۲۷ میلیون بشکه در روز باشد، و فرض شود که اعضای ایک روزانه ۹۰۰۰۰۰ بشکه از تولید خود را در طی ماههای نوامبر و دسامبر سال جاری کاهش خواهند داد، تولید میانگین یازده عضو ایک در سال ۲۰۰۳ روزانه قریب ۲۶/۴ میلیون بشکه خواهد بود که مقایسه با میانگین تولید مورد انتظار ایک در سال ۲۰۰۳ (جدول ۳)، حدود ۶۵۰ هزار بشکه در روز اضافه عرضه در این سال در بازار وجود خواهد داشت.

با توجه به نوسان شدید درصد پایبندی ده عضو ایک (بدون عراق) در سال جاری^{۱۸} از ۹۵/۱٪ در ژانویه تا ۲۶٪ در مارس و ۱۳/۲٪ و ۱۰/۷٪ در آوریل و می و سپس پایبندی ۷۸/۹ درصدی در سپتامبر و کاهش بعدی آن در اکتبر، که بخش عمده آن بعلت دارندگان ظرفیت‌های مازاد زیاد بوده است، بنظر می‌رسد ایک برای سالیان تا پایان این دهه هنوز بعنوان تعدیل و تثبیت‌کننده قیمت در بازار بتواند عمل کند.

گاهی به میزان ذخائر تجاری و استراتژیک نفت خام در پایان سال ۲۰۰۲ میلادی که

با ۲۰۰۰۰۰ در روز کاهش روبرو شده بود و بهمین دلیل تعداد روزهای مصرف آتی ۲۳۱ نفت خام در کشورهای سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه را از ۸۲ روز در سال ۲۰۰۱ به ۷۹ روز کاهش داد و پیش‌بینی احیاء مجدد این تعداد روز برای مصرف آتی نفت در سال ۲۰۰۲، بیانگر این نکته است که در سال جاری میلادی با قریب ۸۰۰۰۰۰ بشکه در روز افزایش ذخائر نفتی، علیرغم بروز حوادث غیر مترقبه‌ای نظیر حمله نظامی به عراق و قطع مقطعی و کاهش صادرات این کشور، ادامه مشکلات حاصل از اعتصابات در ونزوئلا و نیجریه در تولید نفت خام این دو کشور و همچنین کاهش تولید در دریای شمال در دو بخش اصلی انگلیسی و نروژی آن، عرضه کنندگان نفت (اپک و غیر اپک) توانسته‌اند بیش از تقاضای جهانی، نفت تامین نمایند.

بنابراین چنانچه عرضه نفت حتی در سالهای آتی تا پایان این دهه پاسخگری تقاضای جهانی است، پس چه عواملی بازار نفت را به چالش می‌کشند؟

عوامل چالش در بازار نفت

اگر چه با تخمین‌های کنونی عرضه جهانی نفت در جمع، مجموع تقاضای جهانی را تا پایان دهه حاضر تامین خواهد نمود ولی در هر زمان بازار با چالش‌هایی که بعضی مقطعی و زود گذر و برخی میان مدت است روبرو می‌گردد. این عوامل را در نقشی که تولید کنندگان از یک سو و تقاضا کنندگان از سوی دیگر ایفا می‌کنند و روشهایی که عوامل خارج از این دو گروه بکار می‌گیرند و بازار را متأثر می‌نمایند، می‌توان خلاصه نمود:

چالشگران صحنه عرضه نفت

آمریکا:

تولید این کشور در طی سالهای ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲ از ۸/۸۶۸ میلیون بشکه در روز به ۷/۳۲۰ میلیون بشکه در روز رسیده است و با کاهش معادل ۱۷/۵ درصد روبرو شده است.

این کشور که در سال ۱۹۹۲ معادل ۱۳/۵ درصد تولید نفت جهان را بخود اختصاص داده بود در پایان سال ۲۰۰۲ فقط ۹/۹ درصد از تولید جهان را در اختیار داشت.^{۱۹}

عدم روشن شدن سیاست‌های انرژی کابینه فعلی امریکا در زمینه امکان بهره برداری از فلات قاره جنوب شرق و غرب کشور و همچنین توسعه بهره‌برداری از آلاسکا، می‌تواند یکی از مشکلات آتی برای فشار به کشورهای دیگر برای جبران این کاهش باشد و چنانچه این امر کاملاً میسر نگردد، کاهش آتی تولید در آمریکا، باعث روند صعودی و بی‌ثباتی قیمت‌ها خواهد گردید.

روسیه:

این کشور که در اواخر دهه ۱۹۸۰ با ترکیب جمهوری‌های استقلال یافته پس از فروپاشی کمونیسم تولید خود را به ۱۲/۵ میلیون بشکه در روز رسانده بود، در سال ۱۹۹۲ مستقلاً ۸/۰۳۸ میلیون بشکه در روز تولید می‌نمود ولی بعلت مشکلات اقتصادی و مدیریتی پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۶ با ۲۴ درصد کاهش، کمترین میزان نفت را (۶/۱۱۴ میلیون بشکه در روز) تولید نمود ولی این رقم در پایان سال ۲۰۰۲ به ۷/۹۱۱ میلیون بشکه در روز^{۲۰} رسید و براساس آخرین آمار حدود ۸/۶ میلیون بشکه در روز تولید می‌نماید.

حضور سریع روسیه در بازارهای قبلی سنتی خود از یک طرف و علاقه این کشور به کسب سهم در بازارهای آمریکا و آسیا، نشان از اشتیاق این کشور به افزایش میزان تولید در سالهای آتی است. روسیه علیرغم توافقات خود با اپک در کاهش تولید نفت بمنظور تثبیت قیمت در بازار در سالهای قبل، نه تنها به اندازه مکزیک و یا نروژ نیز به توافق خود در کاهش تولید پایبند نبود بلکه در تمام دوران کاهش اپک و تعدادی از تولید کنندگان غیر اپک به تولید و نهایتاً افزایش سهم خود در بازار نفت پرداخت.

عدم برنامه‌ریزی میان مدت برای نحوه حضور در بازارهای جدید، می‌تواند روسیه را در باقیمانده دهه حاضر به عنوان چالشگری بالقوه تبدیل نماید که در این صورت با عدم مدیریت بر عرضه جهانی نفت، بی‌ثباتی در بازار نفت منجر به کاهش قیمت‌ها خواهد شد.

عربستان سعودی:

این کشور که بدنبال جنگ دوم خلیج فارس و خروج عراق و کویت از جرگه صادر

کنندگان نفت و سپس کاهش تولید روسیه در طی سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۲ تولید خود را ۲۳۳ سریعاً افزایش داده بود، بدنبال مشکلات پیش آمده پس از واقعه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و همچنین عدم توسعه صمیمیت آمریکا با این کشور، تولید خود را کاهش داد.

تولید عربستان در سال ۱۹۹۲ به میزان ۹/۰۹۸ میلیون بشکه در روز بود و در سال ۱۹۹۸ به بالاترین میزان خود یعنی ۹/۳۷۰ میلیون بشکه در روز رسید. در پایان سال ۲۰۰۲ با ۷/۴٪ کاهش تولید نسبت به سال ۱۹۹۸ و ۴/۶٪ کاهش نسبت به سال ۱۹۹۲، تولید عربستان به ۸/۶۸۰ میلیون بشکه در روز رسید.^{۲۱}

این کشور براساس اطلاعات منابع ثانویه در مارس ۲۰۰۳ و بدنبال حمله نظامی آمریکا و انگلیس به عراق، با تولید از منطقه بیطرف کمی بیش از ۹/۶ میلیون بشکه در روز تولید نمود.^{۲۲}

به نظر میرسد عربستان در حال حاضر آمادگی صرفنظر کردن از بخشی از تولید خود برای باز نمودن راه ورود رسمی مجدد عراق به جرگه تولیدکنندگان اپک را نداشته باشد. بخصوص آنکه، روسیه بعنوان تولید کننده‌ای با علاقه زیاد برای کسب سهم در همه بازارها، قبل از هر اقدام عراق می‌تواند کاهش سهم عربستان در بازار را بخود اختصاص دهد. شاید به همین دلیل باشد که هنوز برای استفاده عراق خط لوله «یامبو» که در اصل برای صادرات نفت عراق در دوره جنگ اول خلیج فارس احداث شده، تصمیمی توسط این کشور اتخاذ نگردیده است، زیرا استفاده عراق از این خط لوله حداقل قدرت حضور عربستان در مدیترانه را برای رقابت با نفت یورال روسیه کاهش خواهد داد.

در نتیجه عربستان بعنوان بزرگترین تولید کننده نفت، با بیشترین ظرفیت مازاد تولید و بالاترین ذخائر قابل استحصال نفتی در موقعیتی بس خطیر قرار دارد و هر تصمیم این کشور می‌تواند بازار نفت را با چالش جدی روبرو کند. در صورت ادامه افزایش تولید بمنظور حفظ موقعیت ممتاز اولین تولید کننده جهان بودن، مازاد عرضه در سالهای باقیمانده از دهه جاری باعث تضعیف شدید قیمت و بی‌ثباتی بازار خواهد شد. در صورت قبول به کاهش میزان تولید بمنظور گشودن مسیر برای ورود عراق بطور رسمی بعنوان عضو دارنده سهمیه تولید در اپک، موقعیت فعلی متعادل کننده

عرضه بازار را از دست خواهد داد و با حضور فعال روسیه در سالهای آتی ملزم به تبعیت از بخشی از سیاست‌های تقسیم بازار توسط این کشور خواهد بود که در این صورت به محض بروز هر حادثه‌ای در آینده‌ای که عرضه جهانی را به مخاطره اندازد، عربستان نخواهد توانست همانطور که در مارس سال ۲۰۰۳ با عرضه اضافی خود نیاز به استفاده از ذخائر استراتژیک را برخلاف سال ۱۹۹۰ برطرف نمود، عمل نماید و بازار در آن زمان با افزایش سریع قیمت مواجه خواهد گردید. چالشی که در آن زمان استفاده از ذخائر استراتژیک نیز بخشی از آن را می‌تواند برطرف کند.

عراق:

این کشور تولید خود را با ۲/۷۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۲۸ میلادی آغاز کرد. پنجاه سال بعد در سال ۱۹۷۸ تولید عراق به ۲/۵۶۲ میلیون بشکه رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (۱۱ فوریه ۱۹۷۹) و کاهش میزان تولید خود از حدود ۶ میلیون به ۳ میلیون بشکه در روز، عراق یکی از کشورهایی بود که بخشی از کاهش تولید ایران را با افزایش قریب ۹۱۵ هزار بشکه در روز خود جبران نمود و تولید خود را به ۳/۴۷۷ میلیون بشکه در روز رساند.^{۲۲} این رقم بعنوان بالاترین میزان تولید عراق تاکنون ثبت شده است. با شروع جنگ تحمیلی هشت ساله رژیم بعثی عراق علیه ایران تولید به ۸۹۷/۴ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۸۱ کاهش یافت و پس از آتش‌بس در سال ۱۹۸۸ بین دو کشور، تولید این کشور در سال ۱۹۸۹ به بالاترین حد خود، ۲/۷۸۶ میلیون بشکه در روز پس از یک دهه رسید.

با حمله رژیم بعثی عراق علیه کویت و تحریم عراق توسط سازمان ملل، تولید در سال ۱۹۹۱ ۲۸۲/۵ هزار بشکه در روز رسید.

با شروع عملی برنامه «نفت در برابر غذا» توسط شورای امنیت سازمان ملل از سال ۱۹۹۷، تولید عراق در سال ۲۰۰۰، به بالاترین میزان خود، ۲/۸۱۰ میلیون بشکه در روز پس از جنگ دوم خلیج فارس رسید.^{۲۳}

تولید عراق در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ به ترتیب به ۲/۳۸۱ و ۲/۰۰۶ میلیون بشکه در روز کاهش یافت و در فصل اول سال ۲۰۰۳ به ۲/۱۰۶ میلیون بشکه افزایش پیدا کرد ولی با شروع حملات نظامی آمریکا و انگلیس علیه عراق در فصل دوم این سال به ۲۹۷

علیرغم افزایش تولید عراق در ۵ ماهه گذشته هنوز میانگین تولید این کشور کمتر از ۱/۸۰۰ میلیون بشکه در روز می‌باشد. با نگاهی به توان تولید عراق در طی دو دهه گذشته، خوشبینانه است اگر تصور شود با مشکلاتی که این کشور روزانه بعثت اشغال بیگانگان با آن روبروست بتواند در فرصتی کوتاه به تولیدی بیش از سه میلیون بشکه در روز تحقق بخشد.

عدم امکان صادرات از طریق شمال به ترکیه و دریای مدیترانه از یک سو و عدم امکان استفاده از خط لوله «یامبو» در عربستان از سوی دیگر، باعث شده است که حتی در صورت افزایش توان تولید، صادرات مازاد مصرف داخلی قابل عرضه به بازار نباشد. عدم امکان استفاده از خط لوله سوریه به دریای مدیترانه - اگرچه فرسوده و ظرفیت آن در مقایسه با خط لوله‌های ذکر شده بسیار کم است - و میسر نبودن افزایش سریع امکانات بارگیری از بندر موجود در خلیج فارس را باید به مشکلات قبلی اضافه نمود.

ولی در هر حال عراق بعنوان یکی از چالشگران عرصه تولید در سالهای منتهی به پایان این دهه قلمداد می‌گردد. در صورت تحقق آنچه به ملت عراق برای داشتن حکومتی مردمی قول داده شده است، این کشور با بازسازی کامل صنعت نفت خود و با قبول سرمایه‌های خارجی تا پایان دهه حاضر می‌تواند به حدود ۵ میلیون بشکه در روز برسد. بشرط استفاده از حوزه‌های جدید نفتی که در این کشور تاکنون مورد بهره برداری قرار گرفته است. در صورت تحقق شرط اخیر، مصرف داخلی عراق نیز با بازسازی عمومی در این کشور افزایش خواهد یافت ولی با پایان دهه حاضر احتمال صدور روزانه ما بین ۲ تا ۴ میلیون بشکه در روز برای این کشور قابل پیش‌بینی است. چنانچه اعضای اپک و بالاخص عربستان حاضر به کاهش سهمیه خود برای ورود عراق به سیستم سهمیه‌بندی اپک شوند، عراق در زمان تولید بالا نیز چالش را در بازار ایجاد نخواهد کرد ولی چنانچه این امر میسر نگردد و عراق یا بشکل کنونی خارج از سهمیه‌بندی اپک عمل کند و یا مجبور به ترک اپک شود، افزایش عرضه در بازار، روند نزولی قیمت‌ها را بدنبال خواهد داشت و با ادامه افزایش تولید توسط عربستان، روسیه، عراق و برخی از اعضای دیگر اپک مانند ایران و ونزوئلا، سقوط قیمت‌ها قطعی خواهد

ایران:

این کشور که پس از جنگ تحمیلی هشت ساله رژیم بعثی عراق شروع به بازسازی صنعت نفت خود کرده بود در سال ۱۹۹۲ تولید خود را به ۲/۵۲۳ میلیون بشکه در روز رساند، افزایش تولید در دهه ۱۹۹۰ نیز ادامه داشت و در سال ۱۹۹۸ تولید به ۳/۸۰۳ میلیون بشکه در روز رسید ولی بمنظور همراهی با تصمیمات اپک، به منظور کنترل روند نزولی قیمت نفت که در فوریه ۱۹۹۹ به پایین‌ترین حد خود رسیده بود از تولید خود کاست و در پی تصمیمات بعدی اپک در دسامبر ۲۰۰۲ سطح تولید خود را در سقف حدود ۳/۲۰۰ میلیون بشکه نگهداشت.

با سه بار افزایش سقف تولید اپک برای اول ژانویه، اول فوریه، اول ژوئن و یک بار کاهش در اول نوامبر، از اول نوامبر ۲۰۰۳ با حدود ۳/۶ میلیون بشکه در روز، شش صد هزار بشکه در روز مازاد ظرفیت دارد.

ایران با اکتشافات چند ساله اخیر، ذخائر قابل استحصال خود را در سال جاری ۱۳۰ میلیارد بشکه اعلام کرده است. برنامه افزایش ظرفیت تولید این کشور در سالهای ۲۰۰۵، ۴/۵ میلیون بشکه، ۲۰۱۰، ۵/۴، ۲۰۱۵، ۶/۷ میلیون و ۲۰۲۰، ۸ میلیون بشکه در روز است.

ایران با جمعیت حدود ۶۶ میلیونی خود، افزایش تولید نفت (و همچنین گاز) را بعنوان وسیله‌ای برای گذراندن مراحل اولیه توسعه اقتصادی می‌داند، جمعیت جوان این کشور توان ساختن آینده‌ای بسیار روشن را برای خود متصور می‌داند، در نتیجه هرگونه بازدارندگی ایران از افزایش توان تولید بمنظور اعطای سهم این کشور به سایر کشورهای عضو اپک نه تنها پذیرفته نیست، بلکه می‌تواند حضور دومین تولید کننده اپک و یکی از بنیانگذاران این سازمان در جمع این سازمان به مخاطره جدی بیاندارد.

براساس اطلاعات مورد تایید موسسات بین‌المللی انرژی، ایران تاکنون نتوانسته است حدود ۸۰ درصد از سرزمین خود را برای بررسی وجود و یا عدم وجود هیدروکربورها اکتشاف نماید. علیرغم این نکته ایران حتی با آمارهای یکسال گذشته یکی از بزرگترین دارندگان ذخائر نفت خام و گاز در جهان می‌باشد.

توجه یا عدم توجه به آینده‌ای که ایران در صنعت نفت برای خود برنامه‌ریزی نموده ۲۳۷
 است می‌تواند چالشی بزرگ در عرضه نفت ایجاد نماید. ایران عضو و متعهد به تبعیت از
 تصمیمات اپک در مدیریت عرضه نفت، قطعاً نقشی تعیین کننده برای ثبات قیمت‌ها
 خواهد داشت.

اپک

رفتار جمعی اپک در آینده تک‌تک اعضای آن می‌تواند در کنترل چالش‌های آتی، تاثیر
 بسزایی داشته باشد.

جدول ۴: درصد سهم اپک در تامین تقاضای جهانی نفت^{۲۶}

۳۲/۸۹	۲۰۰۳
۳۲/۱۴	۲۰۰۴
۴۱/۴۹	۲۰۰۵
۴۴/۱۲	۲۰۱۰
۴۵/۷۱	۲۰۱۵
۵۲/۴۳	۲۰۲۰

سهم اپک در تامین تقاضای نفت در جهان از حدود ۳۳ درصد فعلی در پایان دهه
 جاری به قریب ۴۴ درصد بالغ می‌گردد و این سهم در پایان یک دهه دیگر به حدود ۵۲/۵
 درصد میرسد.

بنابراین ضروری است اپک از هم اکنون با نگاهی اصلاحی به ساختار داخلی و
 تعیین مجدد اهداف بلندمدت، این سازمان را قبل از آنکه تصمیماتش عملاً توسط اعضا
 نادیده گرفته شود و از طرف تولیدکنندگان غیر اپک و مصرف‌کنندگان جهانی نفت
 به‌عنوان سازمانی یک سونگر و تشدید کننده چالش‌ها در صحنه عرضه نفت متهم
 گردد، بازسازی و احیا نماید.

سایر چالشگران صحنه عرضه

اگرچه تولیدکنندگان دریای شمال، سه کشور شرقی و غربی دریای خزر و مکزیک

نیز با امکانات بالقوه تولیدی خود را در آینده بصورت مقطعی میتوانند در ایجاد امنیت و چالش‌های نفتی موثر باشند ولی قدر مسلم آن است که قدرت این دسته از تولیدکنندگان در مقابل گروه‌های قبلی بخصوص در سالهای دهه دوم قرن حاضر میلادی کمتر خواهد بود.

چالشگران صحنه تقاضای نفت

تحلیل روند تقاضا در سالهای آتی بیان از این واقعیت دارد که کشورهای در راه توسعه و در راس آنان چین و با فاصله زیاد پس از آن هندوستان و بشرط بهبود وضعیت اقتصادی در کشورهای شرق اروپا و آمریکای لاتین، این گروه از تقاضاکنندگان نفت با روند افزایش مصرف خود و ایجاد چالش در بازار نفت، می‌توانند امنیت عرضه را بعنوان مطلبی حیاتی مطرح نمایند که در نتیجه آن افزایش قیمت‌ها بشرط عدم امکان تامین بموقع تقاضای این کشورها، حتمی است.

افزایش جمعیت و شهرنشینی بدنبال بهبود نسبی وضعیت اقتصادی در این کشورها، چنانچه همراه با کنترل و بهبود کیفی فرآورده‌های نفتی و تغییر و کاهش مصرف این فرآورده نباشد، روند رشد تقاضا نه تنها صعود بی‌رویه قیمت‌ها را بدنبال خواهد داشت، بلکه افزایش سریع آلودگی محیط زیست نتیجه قطعی این روند مصرف خواهد بود.

تصحیح الگوی درآمدی اقشار مختلف در این کشورها، همراه با کاهش بمنظور قطع نهایی یارانه‌های سوختی در میان مدت امری اجتناب‌ناپذیر برای کنترل چالش‌های آتی در صحنه تقاضای جهانی نفت است.

بجز گروه کشورهای اخیر، آمریکا بعنوان بزرگترین مصرف‌کننده نفت خام که سالیان طولانی حدود ۲۵٪ مصرف جهان را بخود اختصاص داده است، با تغییر نحوه مصرف فرآورده‌های نفتی چه از نقطه نظر کیفی و چه از لحاظ کمی میتواند بازار را با چالش‌های جدید روبرو و یا از امنیت برخوردار نماید.

عوامل بیرونی چالش بازار نفت

این گروه از عوامل به علت قدرت و اعمال نفوذشان بر تقاضاکنندگان، تولیدکنندگان

و یا قیمت میتوانند بازار را در امنیت قرار داده و با ثبات نمایند و یا باعث بوجود آمدن ۲۳۹
چالش و یا تشدید چالش‌های درونی بازار گردند، این عوامل بطور خلاصه عبارتند از:

- ۱- سیاست‌های نظامی گری کشورهای اصلی مصرف و یا تولیدکننده نفت
- ۲- سیاست‌های جایگزینی نفت با سایر انرژی‌ها، بخصوص گاز طبیعی در دهه جاری و گاز طبیعی، پیل‌های سوختی و هیدروژن در دهه بعد.
- ۳- تشدید معیارهای محیط زیستی در کشورهای مصرف کننده، بدون جبران خسارت آن برای تولیدکنندگان سوخت‌های سنتی
- ۴- افزایش مالیات بر واردات و مصرف نفت خام و فرآورده‌های نفتی
- ۵- افزایش یارانه‌های مصرف فرآورده‌های نفتی
- ۶- کاهش و یا افزایش غیرقابل پیش‌بینی برابری دلار بعنوان ارز مسلط بر بازارهای معاملات نفت در مقابل سایر ارزهای قوی جهانی
- ۷- رونق و یا رکود بازار پول و سرمایه (تغییرات شدید نرخ بهره بانکی و سقوط یا رونق بورس سهام و اوراق بهادار در کشورهای صنعتی)
- ۸- تشدید یا رکود بورس بازاری در بازارهای بورس نفت
- ۹- رونق و یا رکود اقتصادی در کشورهای اصلی مصرف کننده نفت و جهان
- ۱۰- همدلی و همکاری تولیدکنندگان با یکدیگر و صداقت در رفتار با مصرف‌کنندگان.

هر یک از عوامل فوق به تنهایی و یا مشترکاً با یک یا چند عامل دیگر می‌تواند اثری پایدار در تداوم امنیت در بازار نفت و به تبع آن در بازار سایر انرژی‌ها بگذارد و یا اثری مانا ولی مخرب و چالش برانگیز بر این بازارها تحمیل نماید.

نتیجه‌گیری

براساس قاعده «بر قدرت یا در ذلت»، کشورهای دارنده ذغال‌سنگ در دو قرن پیش به دو گروه تقسیم شدند، با اندک تغییری در شکل، همین تاریخ در سده اول عمر صنعت نفت بر مالکان نفت گذشت و علیرغم کوشش‌های فراوان استقلال‌طلبانه در نیمه پایانی قرن گذشته میلادی، معدود کشورهایی این سرنوشت را برای خود نپذیرفتند.

از آنجا که سخن از تمامی بازار انرژی به مقالی کوتاه نمی‌گنجید، به بررسی تقاضا

۲۴۰ و تولید جهانی نفت پرداخته شد و انتظارات افزایشنده بازار از اپک برای تولید در مقاطع ۵ ساله تا ۲۰۲۰ میلادی نشان داده شد.

در پایان با تشریح برخی از عوامل اصلی چالش و یا حفظ امنیت در دو سوی عرضه (نظیر: آمریکا، روسیه، عربستان سعودی، عراق، ایران و اپک)، تقاضا (مانند: چین، هند، کشورهای در راه توسعه، کشورهای اروپای شرقی، رشد سریع جمعیت و شهرنشینی و یارانه‌های زیاد مصرف فرآورده‌های نفتی) و عوامل بیرونی موثر بر این دو (از نظامی‌گری کشورهای اصلی مصرف یا تولیدکننده گرفته تا همدلی و همکاری تولیدکنندگان با یکدیگر و صداقت در رفتار با مصرف‌کنندگان)؛ سعی به ارائه راهکارهایی برای ساختن آینده‌ای بهتر گردید تا نسل‌های آتی بشر در پناه آرامشی حقیقی و امنیتی در همه زمینه‌ها از جمله انرژی بسر برند.

منابع:

- ۱- اپک، بولتن آمار سالیانه ۲۰۰۱
- ۲- اپک، بولتن ژوییه، اوت ۲۰۰۳
- ۳- امور اپک و روابط با مجامع انرژی، آخرین تحولات بازار نفت آبان ۱۳۸۲
- ۴- امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران - آرشيو سال‌های ۱۳۶۵ تا آبان ۱۳۸۲
- ۵- بی‌پی، مرور آماری بر انرژی جهان، ژوئن ۲۰۰۳
- ۶- موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، چشم‌انداز آینده بازار جهانی نفت، بهمن ۱۳۸۰.

بی‌نوشت‌ها

۱۸. منبع شماره (۱)
۱۹. مرور آماری بر انرژی جهان، بی‌پی، ژوئن ۲۰۰۳ صفحه ۶
۲۰. مروری آماری بر انرژی جهان، بی‌پی، ژوئن ۲۰۰۳ صفحه ۶
۲۱. همان منبع
۲۲. منبع شماره (۱)
۲۳. بولتن آمار سالیانه اپک، ۲۰۰۱ صفحه ۴۶
۲۴. همان منبع
۲۵. بولتن اپک - ژوییه و اوت ۲۰۰۲، صفحه ۴۹
۲۶. با استفاده از جداول ۱ و ۳ در صفحات ۲ و ۴